

رهیافتی در ارزیابی شاخصه‌های مؤثر بر حس دل‌بستگی در فضاهای میانی

مجتمع‌های مسکونی شهر تهران

آمنه حاجی‌آقابرگ^{۱*}، مریم چرخچیان^۲، وحید قبادیان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

چکیده

با گسترش جوامع انسانی و ارتقاء نیازهای اجتماعی بشری، ضرورت حضور در فضاهای جمعی و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتقاء حس دل‌بستگی به مکان جهت انجام برخی از فعالیت‌های انسانی از اهمیت زیادی برخوردار شده است. دل‌بستگی به عوامل بسیار گسترده‌ای در ایجاد عدم دل‌بستگی به مکان وجود دارد که طبق مطالعات صورت گرفته، بررسی جایگاه فضاهای میانی در مجتمع‌های مسکونی یکی از آن عوامل می‌باشند که به‌عنوان متغیر مستقل در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. دغدغه اصلی این پژوهش، غافل ماندن از پرداختن به معیارهای مؤثر در ارتقاء حس دل‌بستگی در راستای ایجاد بستری مناسب و پاسخگوی نیازها و فعالیت ساکنین در عرصه میانی می‌باشد. روش این پژوهش، ترکیب روش کمی - کیفی است. به کمک راهبرد علی - مقایسه‌ای، با استفاده از نرم‌افزار SPSS و AMOS میزان تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضاهای جمعی مسکونی بر حس دل‌بستگی ساکنان بررسی شد. سپس به کمک «الگوی معادلات ساختاری» مشخصه‌های فضای میانی به‌عنوان متغیر مستقل بر حس دل‌بستگی به‌عنوان متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در مؤلفه‌های فرم کالبدی، «آسایش کالبدی و محیطی»، «سیرکولاسیون»، «تناسبات فضایی»، «پیکره‌بندی»، «سلسله‌مراتب و خوانایی»، «تنوع بصری و فیزیکی» و «عناصر غیرثابت» و در مؤلفه‌های عملکردی، «تنوع عملکردی» و «انطباق‌پذیری رفتاری» به‌ترتیب اولویت، بیشترین تأثیرگذاری را بر حس دل‌بستگی به مکان دارند. بنابراین طراح به‌عنوان خالق فضا با انتخاب مقیاس و چیدمان بلوک‌ها توأمان با طراحی ساختار فضاها منجر به تغییر در میزان حس دل‌بستگی افراد ساکن در آینده می‌شود. از سوی دیگر فراهم آوردن بستر مناسب جهت حضور هر چه بیشتر ساکنان و توجه به کیفیات فضایی در کنار ویژگی‌های مدیریتی در ارزیابی ساکنان از فضای میانی به‌صورت توأمان اثرگذار است.

کلمات کلیدی: فضای میانی، مجتمع مسکونی شهر تهران، معیار کالبدی، معیار عملکردی، حس دل‌بستگی

۱. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) sanazbozorgi2015@gmail.com

۲. گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. m_charkhchian@pnu.ac.ir

۳. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. vah_ghobadiyan@iauctb.ac.ir

رهیافتی در ارزیابی شاخصه‌های مؤثر بر حس دل‌بستگی در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران

۱. مقدمه

دل‌بستگی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین مفاهیم روان‌شناسی معاصر، به فرآیند شکل‌گیری و قطع شدن پیوندهای عاطفی میان انسان‌ها اشاره دارد. جان بالبی - پدر نظریه دل‌بستگی - برای اولین بار، با استفاده از دستاوردهای رفتارشناسی، نظریه‌های سیبرنتیک و اطلاعات، روان‌کاوی، روان‌شناسی تجربی، نظریه‌های یادگیری، روان‌پزشکی و رشته‌های مرتبط پایه‌های نظری، سرفصل‌های اصلی نظریه دل‌بستگی را در مجموعه سه جلدی «دل‌بستگی و فقدان»، در سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ ارائه نمود (خیبری، ۱۳۹۱؛ پورجعفر، ایزدی، خیبری، ۱۳۹۴: ۴۴). در مجتمع‌ها و محیط‌های مسکونی، فضای جمعی، یکی از عرصه‌های مشترک زندگی قابل‌شناسایی است. این فضا قابلیت استفاده گروهی را دارد و در آن فعالیت‌ها و روابط جمعی اتفاق می‌افتد. معمولاً ساختمان مسکونی، کالبد زندگی جمعی است و فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی در فضای جمعی محیط‌های مسکونی محتوای آن را شکل می‌دهد (مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ دهقانی، فهیمه و برومند، بهار، ۱۳۹۳). با گسترش جوامع انسانی و ارتقاء نیازهای اجتماعی بشری برای زندگی بهتر و محدودیت‌های فضاهای مسکونی برای انجام برخی از آن‌ها، ضرورت حضور در فضاهای جمعی جهت انجام برخی از فعالیت‌های انسان از اهمیت زیادی برخوردار شده است. تأمین نیاز انسان به ایجاد ارتباط با دیگران و در کنار جمع بودن مستلزم وجود فضاهای جمعی معین است (محمدی، آیت‌اللهی، ۱۳۹۳، ۸۰). در پژوهش حاضر با هدف ارائه راهکاری برای بهبود حس دل‌بستگی در مجتمع‌های مسکونی، با استناد به پژوهش‌های قبلی و نمونه‌های موردی در استان تهران که مورد بهره‌برداری قرار گرفته بررسی خواهد شد.

۱-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

رواج سکونت در آپارتمان و ساختمان‌های چند واحدی و دوری از طبیعت، ظهور فضایی را می‌طلبد که نقش اتصال‌دهندگی میان دو عرصه درونی و بیرونی را بر عهده داشته باشد. لذا مفهوم فضای میانی در ارتباط با فضای درون و بیرون، معنا می‌یابد. ارتباط درون و بیرون در اتصال مقیاس کل به جزء نیز قابل مشاهده است. فضای میانی در مجتمع‌های مسکونی، فضاهای میان خیابان تا درب واحد مسکونی را دربر می‌گیرد که شامل پیاده‌رو جلوی ورودی مجتمع، ورودی مجتمع، سواره‌رو، پیاده‌رو داخل محوطه مجتمع، پارکینگ، فضای باز، فضای نیمه‌باز محوطه و لابی می‌شود. بسته به طراحی صورت‌گرفته برای هر یک از مجتمع‌های مسکونی، این فضاها معلق و گوناگون هستند و کیفیت فضایی هر یک از این اجزاء متفاوت است. بررسی مطالعات پیشین در موضوعات مشابه، نشان از پرداختن اغلب پژوهش‌گران به عرصه‌های خصوصی و عمومی و توجه کمتر به عرصه‌های میانی (نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی) می‌باشد. امروزه رابطه انسان و فضا، به انگاره‌ای مادی تقلیل یافته و فضای میانی تنها به‌مثابه فضایی برای تردد برای رسیدن از عرصه خصوصی به عرصه عمومی و بالعکس، تنزل یافته است. این در حالی است که با گسترش طرح‌ها و صرف هزینه‌های فراوان، عرصه میانی در ساختار معماری سنتی و قدیمی، نزد کاربران خود از محبوبیت بیشتری برخوردارند (توسلی و بنیادی، ۱۳۸۶). از این‌رو بررسی رابطه انسان و فضا در عرصه میانی، دستیابی به راه‌کارها و معیارهای مؤثر در ارتقاء کیفیت این‌گونه فضاها را فراهم خواهد کرد.

۱-۲. اهداف

هدف از انجام این پژوهش بررسی ارتقاء حس دل‌بستگی در مجتمع‌های مسکونی از طریق تعریف و بهبود کیفی فضاهای میانی، شناسایی عوامل مؤثر در بهبود حس دل‌بستگی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی و دستیابی به شاخص‌های مؤثر در بهبود کیفی فضاهای میانی در مجتمع‌های مسکونی می‌باشد.

۱-۳. سؤالات پژوهش

این پژوهش در جستجوی پاسخ به این سؤال اصلی است که: چگونه مؤلفه‌های کالبدی (تناسبات، توزیع فضایی، دسترسی‌ها، شکل و سلسله‌مراتب و شرایط اقلیمی) در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی می‌توانند موجب دل‌بستگی ساکنین به مجتمع شوند؟

در راستای پرسش اصلی پژوهش، سؤالات فرعی زیر مطرح می‌گردند:

- کدام یک از مؤلفه‌های عملکردی فضای میانی می‌توانند بر میزان حس رضایت ساکنین در مجتمع‌های مسکونی تهران تأثیرگذار باشند؟

رهیافتی در ارزیابی شاخصه‌های مؤثر بر حس دل‌بستگی در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران

- کدام یک از مؤلفه‌های حس دل‌بستگی بیشترین تأثیر را در ساز و کار میزان دل‌بستگی ساکنین را در مجتمع‌های مسکونی ایجاد می‌کند؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه رابطه میان فضاهای میانی یا ارتباط فضای بیرون و درون با مقوله کیفیت سابقه طولانی دارد. مهندس سین مشاور زیستا در پژوهشی با عنوان «نحوه طراحی مجتمع‌های مسکونی و تأثیر آن‌ها در مدیریت بهره‌برداری از این مجتمع‌ها»، مهم‌ترین عوامل مؤثر در طراحی فضاهای میانی را محافظت در برابر عوامل جوی و تدوین چهارچوب و ضوابط اجرایی جهت ممانعت از تخریب و یا ایجاد ضایعاتی در سطوح زیرین ایوان‌ها، تأمین حداقل ابعاد مناسب برای کارایی ایوان و جلوگیری از تبدیل آن به انبار، تعبیه آبرو و شیب‌بندی، تعبیه جعبه گل، جهت‌گیری نسبت به محور اصلی و ایجاد فضای باز کودکان برمی‌شمارد (مهندسین مشاور زیستا، ۱۳۸۳).

مریم چرخچیان در رساله دکترای خود با عنوان «بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر افزایش دل‌بستگی به فضاهای عمومی شهری با تأکید بر تنوع فعالیتی» به بررسی ابعاد مختلف حس دل‌بستگی به مکان و نیز طبقه‌بندی علل و عوامل دخیل در آن، با هدف ارائه مدلی نو از عناصر و فرآیند شکل‌گیری این مقوله از رابطه انسان و مکان می‌پردازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که دل‌بستگی به مکان شامل ابعاد مختلف عاطفی، شناختی، عملکردی و رفتاری می‌باشد. (چرخچیان، ۱۳۸۸).

در پژوهشی با عنوان «راه‌کارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران‌سازی مسکن حداقل در ایران»، رامین مدنی و مینو شفاپی در سال ۱۳۹۱، به بیان اهمیت عرصه میانه و جبران حداقل‌سازی مسکن در عرصه میانه پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از روش پژوهش کمی-کیفی و بر مبنای استدلال علمی تحقق یافته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با طراحی فضاهای مکمل مانند «پیش‌خانه»، «ایوان بازی» و «سلسله مراتب حیاط‌های متوالی» در عرصه میانه، می‌توان تعاملات اجتماعی را با مزاحمت کمتری برای ساکنین افزایش داد (مدنی و شفاپی، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۶۳).

حیدری و همکاران در پژوهشی با عنوان «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان، در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی»، با طرح این پرسش که «چرا حس تعلق از خانه‌های امروزی گرفته شده است؟»، نمونه‌هایی از خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی جدید را در شهر شیراز مورد بررسی قرار داده‌اند. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵-۸۶). سمیه بی‌طرف در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی ارتباط کیفیت محیطی فضاهای داخلی بر کنش‌های رفتاری و سرزندگی ساکنان در سکونت‌گاه‌های جمعی جانبازان»، به تحلیل و ارزیابی مبانی تأثیرگذار بر کیفیت محیطی و هم‌نشینی فضاهای داخلی، که در ارتباط با کنش‌های رفتاری افراد هستند و تأثیر آن بر خلق فضایی سرزنده در یک سکونت‌گاه جمعی برای جانبازان، که تحت پوشش وزارت دفاع ادامه حیات می‌دهد؛ با هدف ارائه معیارهایی بر پایه توجه به مفهوم کیفیت محیطی در فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی در قلمروی داخلی زندگی و تعامل و کنش‌های میان افراد و برآوردن نیازها و تمایلات آن‌ها در غالب فرهنگ، پرداخته است. (بی‌طرف، ۱۳۹۲).

مژگان ساسانی در رساله دکترای خود با عنوان «ارتباط فضای درون و بیرون در مسکن ایرانی»، به پژوهش پیرامون فضای میانی پرداخته و با مقایسه نقش آن در مسکن سنتی و معاصر ایران به پیامدهای حذف این فضا بر روی زندگی انسان‌ها اشاره کرده است. نتایج پژوهش که از طریق استدلال استقرایی تدوین شده و در نهایت به صورت تطبیقی، مورد استدلال قیاسی قرار گرفته است، نشان داده است که در معماری خانه‌های سنتی ایران، به‌واسطه تعریف صحیح فضای میانی پیوستگی فضایی میان بیرون و درون شکل گرفته است. (ساسانی، ۱۳۹۳).

مهران علی‌الحسابی و ابولفضل قربانی در پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های فضای ورودی به عنوان مفصل و حریم بصری در عرصه‌های عمومی مجاور؛ نمونه موردی بندر لافت»، با شناسایی و معرفی فضاهای ورودی خانه‌ها در بندر لافت، به عنوان نمونه‌ای از سکونت‌گاه‌های دارای بافت تاریخی کشور، که وجه مشخصه آن، دو ویژگی فشردگی و محصوریت بوده است، جایگاه و نقش فضاهای ورودی را در تبیین اصل محرمیت در بافت کهن آن بررسی نماید. در این راستا علاوه بر تعمق در منابع مکتوب، از مطالعات اکتشافی در حوزه میدانی جهت برداشت نمونه‌ها و مشخص کردن گونه‌ها استفاده شده است. سپس با بررسی اصول مکان‌یابی، تناسبات و عملکرد هر یک از گونه‌ها در تدارک اصل محرمیت و کنترل دید، ابداعات و اصول به‌کاررفته در این فضا احصاء و به‌عنوان رهیافتی برای طراحی معاصر ارائه گردیده است. (علی‌الحسابی و قربانی، ۱۳۹۳: ۸۷-۱۰۵).

رهیافتی در ارزیابی شاخصه‌های مؤثر بر حس دل‌بستگی در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران
 نیکو زیبایی فریمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تدوین راهنمای طراحی شهری در مقیاس محله مبتنی بر سلامت شهروندان، مطالعه موردی: محله مطهری مشهد» به بررسی رابطه حس دل‌بستگی به مکان و پیاده‌روی با هدف بهبود سطح سلامت در محله مطهری شهر مشهد پرداخته است. در این پژوهش به منظور کشف روابط همبستگی میان متغیرها، از شیوه پرسش‌گری استفاده شده است. لذا نمونه ۲۰۰ نفری از ساکنین محله مطهری شهر مشهد که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. (زیبایی فریمانی، ۱۳۹۳).

سجادزاده و دیگران در پژوهشی با عنوان «دل‌بستگی مکانی و ادراک کیفیت محیطی بر میزان حس رضایت در محله سنتی، نمونه موردی محله حاجی همدان»، به بررسی میزان رضایت مردم از دو مؤلفه کیفیت محیطی و حس دل‌بستگی به مکان طی روش پیمایشی پرداخته‌اند (سجادزاده و دیگران، ۱۳۹۴).

شاهین خلیلیان در رساله دکترای خود با عنوان «بررسی تناسبات فضاهای باز و سرپوشیده مجتمع‌های مسکونی شهر تهران و نقش آن‌ها بر ارتقای کیفیت محیط»، با هدف بررسی تأثیر فضاهای باز و سرپوشیده بر کیفیت مجتمع‌های مسکونی، تلاش کرده است تا ضمن بررسی وضعیت موجود، زمینه شناخت و طراحی مطلوب‌تر را برای دست‌اندرکاران این عرصه فراهم سازد (خلیلیان، ۱۳۹۷).

مارکوس و سرکیسیان در پژوهشی با عنوان «مسکن از دیدگاه اهمیت مردم؛ دستورالعمل‌های طراحی محیطی برای مجتمع‌های مسکونی در مقیاس میانی»، رضایت از محیط مسکونی را منوط به متغیرهای سازگاری، نگهداری، ظاهر بصری مطبوع، رضایت از مدیریت، حضور همسایگان همگن، درک ارزش اقتصادی و رضایت از سایر همسایگان می‌دانند (Markus & Sarkissian, 1986).

نول و کندسا در پژوهشی با عنوان «از حس مکان تا تجربه مکان: ارزیابی روابط مردم و مکان، در راستای درک توسعه تجسمات مکانی» در سال ۲۰۱۸، به بررسی نقش ارتباط مردم و مکان در ایجاد حس دل‌بستگی می‌پردازند. هدف اصلی این پژوهش، کشف رابطه بین حس دل‌بستگی و ادراک ذهنی افراد نسبت به مکان، می‌باشد. دستاورد این مطالعه به عنوان دستورالعملی برای محققان در زمینه مفهوم حس دل‌بستگی، به منظور درک بهتر از دیدگاه‌های انسانی قابل استفاده می‌باشد (Newell & Canessa, 2018).

گولاتی در سال ۲۰۲۰ در پژوهشی با عنوان «فضای همسایگی در محیط‌های مسکونی: درس‌هایی برای ساخت و سازهای معاصر در هند» به بررسی اهمیت فضاهای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی در فضای هم‌سایگی در کشور هندوستان می‌پردازد. وی در یک ارزیابی مقایسه‌ای میان سه پروژه منتخب با هدف دستیابی به الگوهای مناسب، به این نتایج دست یافته است؛ فضاهای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی در مجتمع‌های مسکونی نباید تنها معطوف به نیازهای کالبدی باشند، بلکه در نظر گرفتن طیف وسیعی از نیازهای اجتماعی و ادراکی ساکنین، نقش مهمی در ایجاد حس آرامش و آسایش خواهد داشت (Gulati, 2020).

۳. بررسی و مطالعات

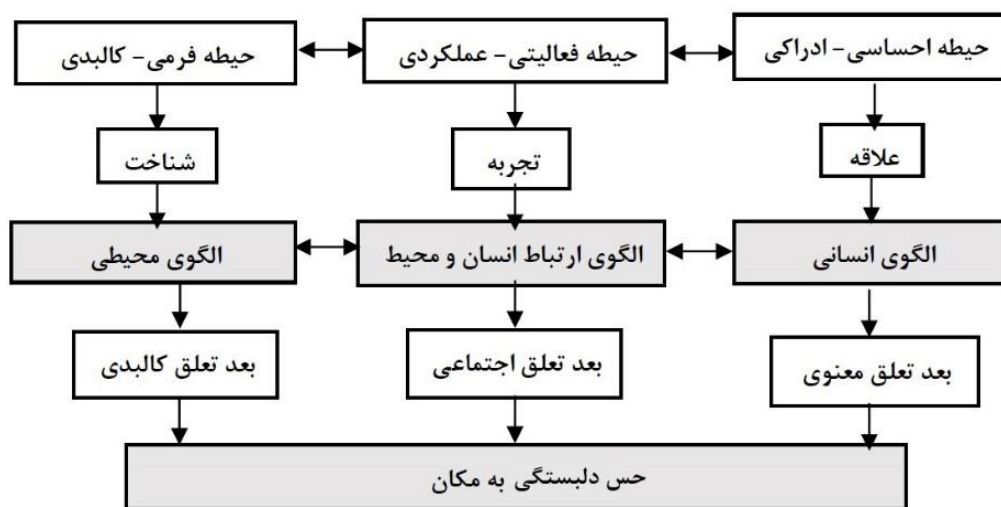
۳-۱. مبانی نظری

ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیرگذارند و حس مکان نیز بر ارزش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان مؤثر است و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکان‌شان شرکت می‌کنند (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۸).

رلف برای هر مکان شاخصه و خصیصه منحصری قائل است و آن را به سبب سه نشانه هویت مکانی می‌داند که معرف حس مکان نیز هستند. او این سه عامل را در ایجاد حس در مردم تأثیرگذار می‌داند: ۱- ساختار فیزیکی، ۲- فعالیت و ۳- معنا (کارمونا، ۲۰۰۶، ۹۹). در کل می‌توان این‌گونه برداشت کرد که معنا، فعالیت و فرم سه عاملی هستند که به سبب توجه به ویژگی‌های آن‌ها، تصویر ذهنی، فعالیت و فرم مکان شکل می‌گیرد.

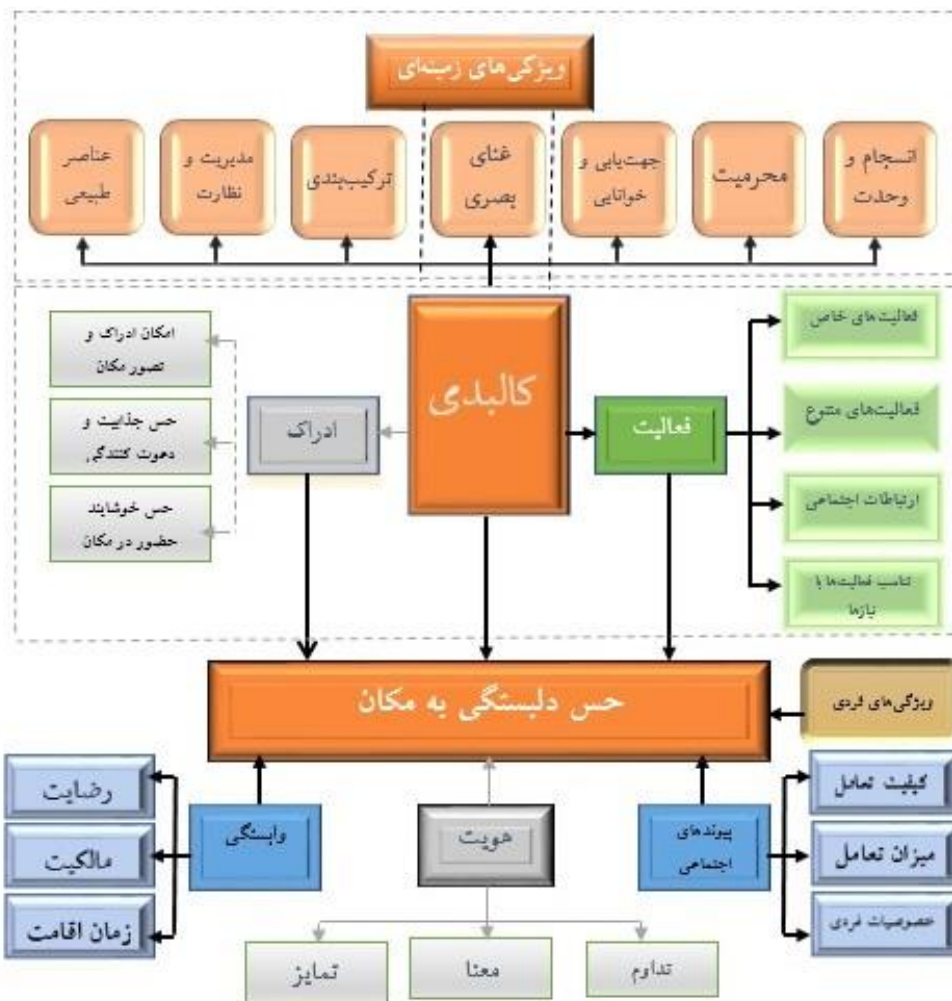
حس مکان همچنین به‌عنوان ترکیبی از سه عنصر یعنی مکان، منظر و درگیری‌های شخصی تعریف شده است (شامای، ۲۰۰۵). برای ایجاد یک حس مکان هر سه مؤلفه باید با هم تداخل داشته باشند. او اشاره کرد که همانندی ساختمان‌های ما و عصر دیجیتال حس مکان را کاهش می‌دهد. (نجفی و شریفی، ۲۰۱۱) سه متغیر از حس مکان تحت عنوان «خوانایی، درک و اولویت» برای محیط بصری و سازگاری محیط با اهداف انسان تعیین شده است (روگان و هورویتز، ۲۰۰۵).

یک مکان یک مرکز معنی یا زمینه توجه (توان، ۱۹۷۷) و مبنی بر تجربه انسانی، روابط اجتماعی، احساسات، و افکار است. سه دیدگاه جزئی از حس مکان غالب است: مکان‌ها شامل محیط فیزیکی، فعالیت‌های انسانی، و فرآیندهای اجتماعی و روانی انسان هستند که ریشه در آن محیط دارد (براندنبرگ، ۱۹۹۵؛ رلف، ۱۹۷۶، ۱۹). حس مکان می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از معانی نمادین، دلبستگی و رضایت از یک محیط فضایی توسط یک فرد یا گروه تصور شود (مور و گریف، ۱۹۹۴؛ ویلیامز و همکاران، ۱۹). مبنی بر شناخت و تحت تاثیر قرار دادن آن (پروشانسکی و همکاران، ۱۹۸۳؛ لو و آلمن، ۱۹۹۲)، که شامل طیف وسیعی از «از خودبیگانگی و بی‌خانمانی تا تعلق به مکان و هویت عمیق و کامل» با یک مکان را شامل می‌شود. از نظر نوربرگ شولتز حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است (نوربرگ شولتز، ۱۹۹۷). هم‌چنین از نظر لینچ نیز حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد و فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد (فلاحت، ۱۳۸۵). با توجه به مطالب گفته شده مطابق با نمودار ۱، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت حس دلبستگی به مکان در سه حیطه عملکردی، کالبدی و ادراکی دسته‌بندی می‌شوند که در این پژوهش به دو حیطه عملکردی و کالبدی پرداخته شده است.



نمودار ۱. حیطه‌های سه‌گانه حس دلبستگی به مکان

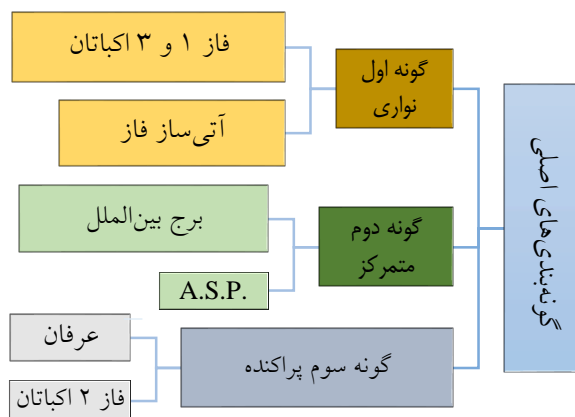
حیطه عملکردی فعالیتی که بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس دلبستگی به مکان تأکید می‌کند شامل جنبه‌های مختلف حضور، مشارکت برقراری تعاملات اجتماعی و برخورداری از حمایت اجتماعی در محیط، جامعه و اجتماعات محلی است، حیطه فرمی کالبدی به چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های کالبدی در تقویت حس دلبستگی به مکان پرداخته و در استفاده از راهکارهای محیطی برای کاهش جرم و جنایت، کیفیت مناسب، تراکم مناسب و طراحی آگاهانه محیط خلاصه می‌شود. همچنین مؤلفه‌ها و خصوصیت‌های فردی که اشاره به تأثیرگذاری مدت زمان اقامت و وضعیت تأهل، جنسیت و درآمد فرد در میزان حس دلبستگی به مکان دارنده در حیطه ادراکی احساسی قرار می‌گیرند.



نمودار ۲. الگوی مفهومی رابطه بین فرم کالبدی و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی

۲-۳. معرفی مجتمع‌های مسکونی برگزیده

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش مجتمع‌های مسکونی شهر تهران می‌باشد که از لحاظ جمعیت بالاترین شهر ایران و همچنین بیشترین تعداد مجتمع‌های مسکونی در این شهر قرار دارد، انتخاب شده است بنابراین جامعه آماری مورد مطالعه مطابق نمودار ۴ شامل مجتمع‌های مسکونی پراکنده، نواری و متمرکز شهر تهران می‌باشد.



نمودار ۴. گونه‌بندی‌های اصلی مجتمع مسکونی برگزیده

بر اساس محاسبه فراوانی واحدهای مسکونی، مجتمع‌ها به سه گروه کوچک (کمتر از ۲۱۶ واحد)، مقیاس میانی (بین ۲۱۷-۵۰۴ واحد) و مقیاس کلان (بالای ۵۰۵ واحد) طبق جدول ۱ تفکیک شده‌اند. شکل‌گیری فضاهای میانی و قرارگیری مجتمع نسبت به آن به‌عنوان معیار دوم انتخاب می‌باشد که به‌صورت متمرکز، نواری، پراکنده مطابق نمودار ۴ می‌باشد. معیار سوم ارتفاع ساختمان‌ها می‌باشد، که سعی بر آن شده از همه گونه‌ها انتخاب شود. طبق مطالعات میدانی این پژوهش مجتمع‌های مسکونی نوع پراکنده و نیز مجتمع‌های با ارتفاع بالای ۱۳ طبقه از لحاظ فراوانی بیشتر می‌باشند که در انتخاب مجتمع‌های نمونه طبق جدول ۱ این معیار لحاظ شد.

جدول ۱. مشخصات مجتمع مسکونی برگزیده

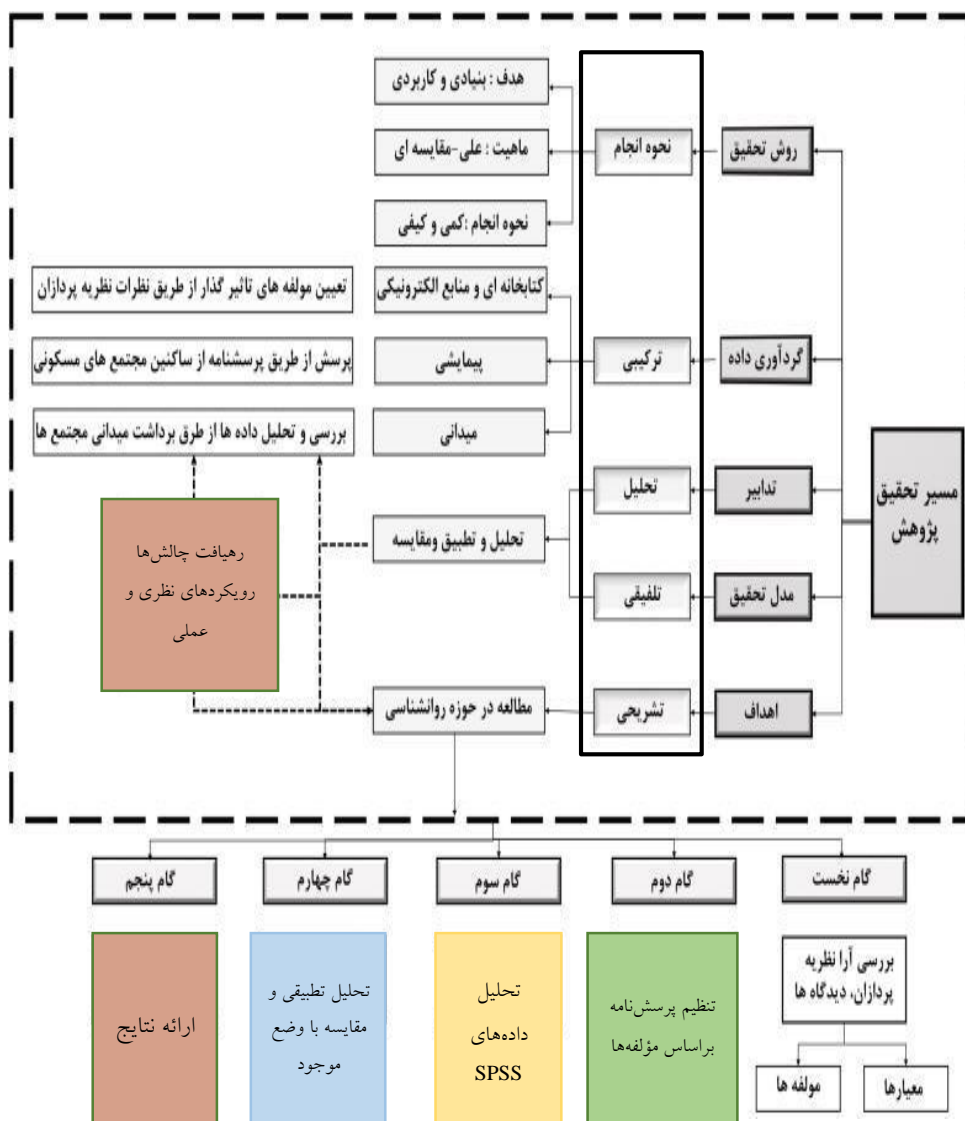
نام مجتمع مسکونی	شرکت سازنده	تاریخ ساخت	تعداد طبقه	آدرس	واحد
مجتمع مسکونی عرفان	شرکت A.S.P.	۱۳۷۵-۱۳۸۶	۱۲ و ۱۶	منطقه ۲۲	۷۲
برج بین‌الملل	توسعه ساختمان	۱۳۷۵-۱۳۸۶	۵۶	کردستان	۵۷۲
مجتمع مسکونی A.S.P.	شرکت A.S.P.	۱۳۴۹-۱۳۵۴	۲۳	منطقه ۶	۲۵۰
فاز ۱ و ۲ و ۳ اکباتان	Starrett	۱۳۴۵	۵، ۱۰ و ۱۲	منطقه ۵	متغیر
مجتمع آتی‌ساز	شرکت آتی‌ساز	۱۳۵۵	۱۲ تا ۳۲	اوین	-

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ بعد هدف، یک پژوهش کاربردی است که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزارهای رایج کتابخانه‌ای و نیز مشاهدات میدانی انجام می‌شود. اگرچه ماهیت این پژوهش کیفی است، اما به‌دلیل استخراج معیارهای خاص و قابل اندازه‌گیری، تلفیقی از راهبردهای کمی و کیفی در قالب شیوه همبستگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ویژگی‌ها و مشخصه‌های عرصه میانی به‌عنوان متغیر مستقل و میزان حس دل‌بستگی به مکان به‌عنوان متغیر وابسته در این پژوهش شناخته می‌شوند. به کمک راهبرد علی-مقایسه‌ای، میزان تأثیر ویژگی‌های عرصه میانی بر حس دل‌بستگی ساکنان بررسی می‌شود. مطالعات موردی بخش وسیعی از پژوهش را شامل می‌شود. تعیین متغیرهای اصلی حس دل‌بستگی به روش «الگوی معادلات ساختاری» صورت می‌پذیرد. هدف از آن ایجاد ساختار یا الگویی کلی میان متغیرها است و با استفاده از «تحلیل عاملی»، این امکان به وجود می‌آید که عوامل مؤثر در ایجاد حس دل‌بستگی در مجتمع‌های مسکونی مشخص شوند. هر عامل بسته به وسعت و اهمیت خود متشکل از چند یا چندین متغیر مستقل دیگر است. به کمک روش بار عاملی، سنجه‌های سازنده بر متغیرهای وابسته مشخص و سهم آنان در تعریف متغیر پنهان، تعیین می‌گردد. نهایتاً دستاورد پژوهش در قالب الگویی کاربردی ارائه خواهد شد. نرم‌افزارهای مورد استفاده در فرآیند پژوهش شامل SPSS و AMOS می‌باشند (نمودار ۵).

۵. بحث و تحلیل یافته‌ها

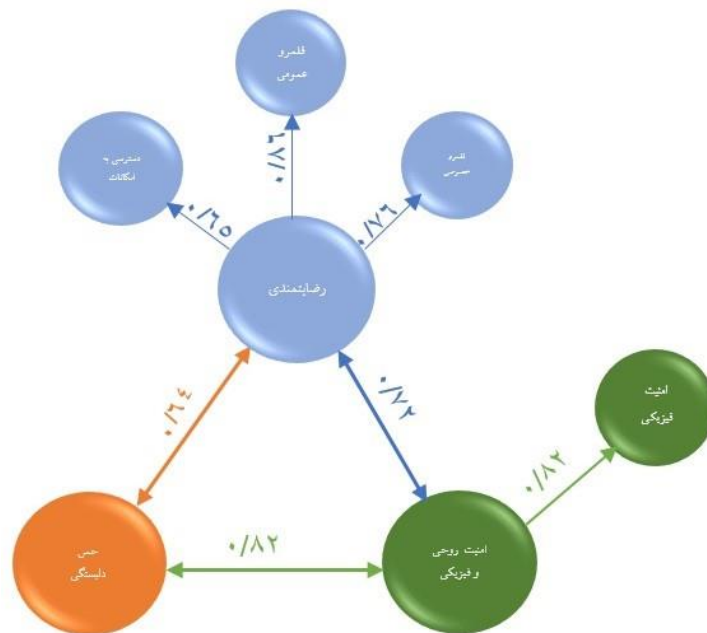
شناخت کافی از انسان و نحوه ارتباطش با سایرین و چگونگی آن می‌تواند در شکل‌دهی محیط برای برقراری ارتباط با دیگران و همچنین کنترل روابطش با آن‌ها برای یافتن خلوت مطلوب کمک نماید. بی‌تردید روابط ما با دیگران نقش مهمی در اولویت‌هایمان در سکونتگاه دارد و محیط ساخته شده باید بتواند نیازهای مربوط به این روابط را پاسخ گوید. از سوی دیگر می‌دانیم که فضاها، نقش‌های اجتماعی و فردی خاصی را برای ساکنین خود تحمیل می‌کند و برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کند. این پژوهش درصدد بیان ارتباط بین نظام فضاهای میانی در سکونتگاه‌ها با میزان حس دل‌بستگی ساکنان بوده است.



نمودار ۵. مدل روش پژوهش

۱-۵. معیارهای ارزیابی حس دل‌بستگی

دل‌بستگی به مکان عالی‌ترین مرتبه رابطه انسان و مکان است که به‌منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. هر چه دل‌بستگی بیشتری در انسان نسبت به مکان ایجاد گردد آن فضا واجد کیفیات بالاتری است. اغلب حس دل‌بستگی به مکان از سطح تجربه‌های شخصی می‌گذرد و با خاطرات جمعی پیوند می‌خورد. شاخص‌های اصلی مؤثر بر دل‌بستگی عبارتند از: رضایتمندی، امنیت و تعلق‌پذیری. بدین ترتیب، نتایج آزمون همبستگی مشخص نموده است که میان رضایتمندی و حس تعلق ($r = 0.64$) میان رضایتمندی و امنیت ($r = 0.72$) و بین حس تعلق و امنیت ($r = 0.86$) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. این بدان معناست که هر چه محیط قابلیت برآورده کردن نیازها و ترجیحات ساکنان را از جمله حفظ امنیت فیزیکی و روانی را داشته باشد و از طرفی فضاهایی در جهت خلوت و تعامل ساکنین فراهم آورد بر میزان دل‌بستگی ساکنان به محیط افزوده می‌شود. از بررسی نتایج تحلیل عاملی تأییدی موارد زیر استخراج شده است.



نمودار ۶. میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های روی حس دل‌بستگی

۲-۵. معیارهای ارزیابی فضای میانی

فضای میانی، مکانی میان فضاهایی با چندین شخصیت و هویت است و به منزله فضایی جهت مناسب‌سازی ارتباطات میان فضاها می‌باشد. این مکان‌ها اغلب نقش فضاهای آستانه‌ای را برعهده دارند. آن‌ها گذرگاه‌های مرزی می‌باشند، مکان‌هایی که ساکنین مجتمع مسکونی، با دیدگاه‌های متفاوت با یکدیگر مواجه می‌شوند. با عنایت به مباحث مذکور در کلان‌شهرهایی مانند تهران که با روند رو به رشد ساخت و ساز مجتمع‌های مسکونی روبرو هستند، روابط اجتماعی و فضایی که در عرصه میانی این‌گونه مجتمع‌ها اتفاق می‌افتد، تأثیر متقابلی بر میزان حس دل‌بستگی به عرصه میانی خواهد داشت؛ عرصه میانی در مجتمع‌های مسکونی دارای سلسله‌مراتبی از روابط اجتماعی، روابط فضایی و قلمروهای مختلف است. این روابط باید به گونه‌ای با هم پیوندیابند که به صورت آرام و پیوسته در امتداد هم قرار گرفته و به تعادل برسند. ویژگی‌های عملکردی متوجه سه نوع فعالیت اجباری، اختیاری و اجتماعی مطابق الگوی «یان گل» است و در اینجا برای ارزیابی کیفیت دل‌بستگی محیط دو نوع فعالیت عمده که در سکونتگاه مدنظر است، یکی فعالیت در ارتباط با رفتار جمعی و دیگری فعالیت با حفظ حریم فردی مورد سنجش قرار می‌گیرد. ویژگی‌های کالبدی نیز شامل عوامل تنوع بصری، سیرکولاسیون، سلسله‌مراتب، تناسب، عناصر غیر ثابت، توزیع و پیکره‌بندی، آسایش کالبدی - محیطی، شکل و هندسه است. به‌نظر می‌رسد که فضای میانی بر نحوه عملکرد (ویژگی‌های فعالیت) ساکنان نیز تأثیرگذار باشد که این عامل هم به‌همراه گوناگونی عملکردی و انطباق‌پذیری رفتاری در سکونتگاه همراه می‌باشد. همچنین، در جدول ۲، مجتمع‌های مورد مطالعه این پژوهش بر حسب نوع وضعیت کیفیت اجزای فضای میانی (پیش‌فضاهای ورودی مجتمع، ورودی مجتمع، سواره‌رو، پیاده‌رو، پارکینگ، فضای باز مجتمع، ورودی بلوک و لابی) نشان داده شده است و درصد مطلوبیت هر جزء برای هر مجتمع به‌تفکیک آورده شده است.

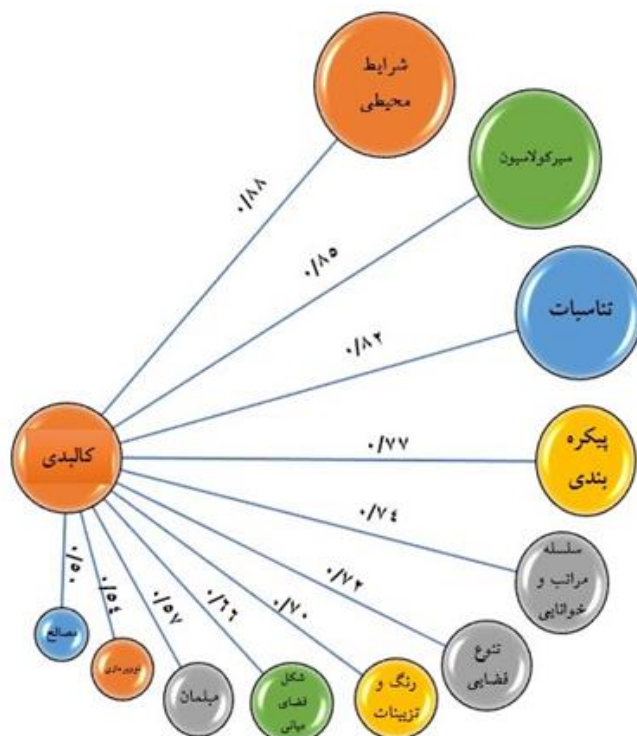
۳-۵. مقایسه تطبیقی نمونه‌های مورد مطالعه

متغیرهای فضای میانی مورد مطالعه با دو مؤلفه کالبدی و عملکردی و هر کدام با دو معیار قابلیت سازماندهی فضای میانی (تناسبات، هندسه، تنوع، سلسله‌مراتب و غیره) و مؤلفه‌های عملکردی تنوع فعالیت و انطباق‌پذیری رفتاری با حفظ حریم فردی و فعالیت در ارتباط با رفتار جمعی مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲. کیفیت اجزای میانی در مجتمع‌های مورد پژوهش

وضعیت کیفیت اجزای فضای میانی									
گروه‌بندی	نام مجتمع	پیش‌فضا جلوی ورودی	ورودی مجتمع	سواره‌رو	پیاده‌رو	پارکینگ	فضای باز	ورودی بلوک	لابی
نواری	اکباتان فاز ۱ و ۳	●	●	●	●	●	●	●	●
	آتی‌ساز فاز ۱	●	●	○	○	○	○	○	○
مشترک	A.S.P.	●	●	○	○	○	○	○	○
	بین‌الملل	●	●	○	○	○	○	○	○
پراکنده	عرفان	●	●	○	○	○	○	○	○
	اکباتان فاز ۲	●	●	●	●	●	●	●	●

عامل نخست: مؤلفه کالبدی - محیطی، این عامل از آنجاکه بیشترین تأثیر را روی سازماندهی فضای میانی داراست خود دارای زیر شاخص‌های زیر است که براساس الگوی تحلیل عاملی تأییدی فضای میانی، آسایش کالبدی و محیطی (دسترسی به محیط طبیعی و فضای سبز محوطه) با بار عاملی ۰/۸۸، سیرکولاسیون در فضاهای میانی با بار عاملی ۰/۸۵، تناسب فضایی (کیفیت اندازه و ابعاد فضاهای باز و بسته و نیمه‌باز میانی) با بار عاملی ۰/۸۲، پیکره‌بندی در فضای میانی (توجه به ارتباط توده و فضا) با بار عاملی ۰/۷۷، سلسله‌مراتب و خوانایی با بار عاملی ۰/۷۴، تنوع (بصری و فیزیکی) با بار عاملی ۰/۷۰، عناصر غیر ثابت (مصالح و مبلمان، نور و تزئینات) با میانگین بار عاملی ۰/۶۰، به ترتیب دارای بیشترین بار عاملی بر قابلیت فضای میانی می‌باشند.



نمودار ۷. میزان تأثیرگذاری عوامل کالبدی بر حس دلستگی فضای میانی

رهیافتی در ارزیابی شاخصه‌های مؤثر بر حس دلبستگی در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران

عامل دوم: مؤلفه‌های فعالیتی با دو شاخص تنوع عملکردی با بار عاملی ۰/۹۰ و انطباق‌پذیری رفتاری با بار عاملی ۰/۸۲ از همبستگی این دو عامل با یکدیگر بر سازمان فضایی دلالت دارند. به عبارتی برآیند دو عامل نشان می‌دهد که ویژگی‌های کالبدی- محیطی با بار عاملی ۰/۸۶ و ویژگی‌های فعالیتی - عملکردی با بار عاملی ۰/۷۷ به ترتیب چه جایگاهی در سازمان فضایی میانی داشته و از عوامل تأثیرپذیر از سازمان فضایی میانی می‌باشد.

همچنین، جدول ۳، یک مقایسه تطبیقی بین مجتمع‌های مورد مطالعه این پژوهش برحسب ارزیابی ساختار فضای میانی کالبدی و عملکردی (شرایط محیطی، پیکره‌بندی، تناسبات، سیرکولاسیون، سلسله‌مراتب و خوانایی، شکل فضای میانی، تنوع فضایی، مبلمان، رنگ و تزیینات، نورپردازی، مصالح، گوناگونی عملکردی و انطباق‌پذیری رفتاری) ارائه کرده است.

جدول ۳. مقایسه تطبیقی مجتمع‌ها از نظر ارزیابی ساختار فضای میانی

نام مجتمع	مؤلفه‌های فضای میانی											
	مؤلفه عملکردی		مؤلفه کالبدی									
	انطباق‌پذیری رفتاری	گوناگونی عملکردی	نورپردازی	تنزی بنات	مبلمان	تنوع فضایی	شکل فضای میانی	سلسله‌مراتب و خوانایی	سیرکولاسیون	تناسبات	پیکره‌بندی	شرایط محیطی
اکباتان فاز ۱ و ۳	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
اکباتان فاز ۲	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
آتی‌ساز فاز ۱	●	●	●	●	●	○	●	●	●	○	●	●
A.S.P.	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	○	●
بین‌الملل	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
عرفان	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●

۴-۵. پاسخ به سؤالات

در جدول ۴ نتایج پژوهش، متناظر با موضوع اصلی پژوهش، اهداف، پرسش‌ها و فرضیات پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی فضاهای میانی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت محیطی سازماندهی فضایی سکونتگاه‌ها می‌باشند که می‌تواند نقش بسزایی بر یکی از مهم‌ترین معیارهای کیفیت سکونت در سکونتگاه‌ها یعنی حفظ میزان دلبستگی بگذارند. بی‌توجهی به معیارهای دلبستگی در سکونتگاه‌ها موجب کاهش کیفیت و بهره‌وری در این گونه فضاها چه از نظر روان‌شناختی و چه از نظر اجتماعی را منجر می‌گردد. بنابراین در پژوهش حاضر، تبیین تأثیر فضای میانی بر حس دلبستگی سکونتگاه با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی پرداخته شد.

بر اساس مطالعات و تحلیل‌های کیفی و مدل‌سازی معادلات ساختاری مشخص شد که مؤلفه‌های کالبدی بیشترین تأثیر را بر کیفیت بخشی محیط سکونتگاه دارند و سپس مؤلفه عملکردی به ترتیب در جایگاه‌های دوم قرار می‌گیرد همچنین در میان همه مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضایی و حس دلبستگی، همبستگی معناداری برقرار است. دلبستگی نیز تحت تأثیر مؤلفه‌های رضایتمندی، امنیت و تعلق‌پذیری به محیط مورد سنجش قرار گرفته است، نتایج پژوهش از همبستگی معنادار بین این سه مؤلفه مربوطه حکایت دارد ولی از نظر میزان تأثیر بر دلبستگی، مؤلفه‌های رضایتمندی نسبت به مؤلفه دو مؤلفه مذکور از ارزش بیشتری برخوردار هستند. در ادامه نتایج مربوط به هر یک از ابعاد کالبدی و فعالیتی سازماندهی فضای میانی و مؤلفه‌های مؤثر بر حس دلبستگی به صورت جداگانه ارائه گردیده است.

جدول ۴. نتایج پژوهش متناظر با اهداف و سؤالات

ردیف	اهداف	سؤالات	نتایج
۱	شناسایی و اولویت‌بندی میزان اهمیت مؤلفه‌های کالبدی فضای میانی نظیر؛ تناسب، توزیع، شکل، دسترسی‌ها در مجتمع‌های مسکونی که سبب ایجاد دل‌بستگی به مکان برای ساکنین می‌شوند.	چگونه مؤلفه‌های کالبدی (تناسبات، توزیع فضایی، دسترسی‌ها، شکل و دسترسی‌ها، شرایط اقلیمی) در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی می‌توانند موجب دل‌بستگی ساکنین به مجتمع شوند؟	براساس یافته‌های کیفی و کمی تأثیر مؤلفه‌های معیار کالبدی را بر میزان دل‌بستگی ساکنان در مجتمع‌های مورد مطالعه نتایج همبستگی ویژگی‌های مؤثر بر سازماندهی فضایی، نشان داده است که ویژگی‌های کالبدی-محیطی با بار عاملی ۰/۸۶ بیشترین میزان تأثیرگذاری بر فضای میانی را دارد. و از این میان مؤلفه‌های معیار کالبدی «شرایط کالبدی-محیطی» با بار عاملی ۰/۸۸ بیشترین تأثیرگذاری بر میزان دل‌بستگی را ایفا می‌کند.
۲	شناسایی و اولویت‌بندی میزان اهمیت مؤلفه‌های تنوع عملکردی و انطباق‌پذیری رفتاری از معیار عملکردی در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی که می‌توانند سبب دل‌بستگی ساکنین به مجتمع شوند.	چگونه مؤلفه‌های عملکردی فضای میانی می‌توانند بر میزان حس رضایت و دل‌بستگی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی تهران تأثیرگذار باشند؟	براساس مدل مفهومی پژوهش از آنجایی که معیار عملکردی را به دو مؤلفه «گو ناگونی عملکردی» و «انطباق‌پذیری رفتاری» تقسیم گردید و طبق تحلیل آماری، متغیر «گو ناگونی عملکردی» با ضریب ۰/۴۶۳ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه اول و متغیر «انطباق‌پذیری رفتاری» با ضریب ۰/۲۸۴ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه دوم قرار دارند. و با توجه به مثبت بودن مقادیر ضرایب B نتیجه گرفته می‌شود که رابطه بین متغیرهای بالا و دل‌بستگی مثبت و مستقیم است.
۳	مشخص کردن رابطه فضای میانی با ساز و کارهای تأمین حس دل‌بستگی، بر اساس سه مؤلفه رضایتمندی (قلمرو خصوصی و عمومی (خلوت و تعامل))، حس تعلق و امنیت و تبیین اصول طراحی در راستای تأمین حس دل‌بستگی و حفظ و مانایی آن در فضای سکونتگاه می‌باشد.	کدام یک از مؤلفه‌های حس دل‌بستگی بیشترین تأثیر را در ساز و کار میزان دل‌بستگی ساکنین را در مجتمع‌های مسکونی ایجاد می‌کند؟	این فرضیه بر اساس سه مؤلفه تأثیرگذار: رضایتمندی و مؤلفه امنیت و مؤلفه تعلق‌پذیری تنظیم شده است. نتایج نشان می‌دهد که شرایط محیطی موجب تعریف حریم عرصه‌ها در دو سطح ۱ و ۲ در سکونتگاه‌ها شده و موجب افزایش رضایتمندی (تعامل و خلوت و تأمین امکانات) ساکنان می‌گردد. مطالعه میزان رضایتمندی از دل‌بستگی نیز نشان می‌دهد که میان سلسله‌مراتب فضایی و رضایتمندی از دل‌بستگی سکونتگاه آن همبستگی معنادار وجود دارد.

باتوجه به آنچه که تاکنون بیان شد، دستاوردهای برجسته پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- ارائه مدل جدید حس دل‌بستگی به مکان، با محوریت موضوع کل‌نگر میان متغیرهای مرتبط با حس دل‌بستگی به مکان، به منظور رفع شکاف‌های دانشی مطرح شده در این طرح پژوهشی.
- اتخاذ رویکرد ترکیبی کمی و کیفی نسبت به شناخت ساختار مکان جهت رسیدن به وحدت ظاهری و باطنی در معماری.
- درنظر گرفتن مفهوم «ارتباط» (linkage) بین مکان‌ها جهت رسیدن به حس دل‌بستگی به مکان به عنوان زمینه تحقیقی متمایز نسبت به تحقیقات پیشین.
- ارائه الگویی مفهومی برای خلق فضاهای جمعی واجد ارزش‌های محیطی و القاکننده حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی.
- شناخت مؤلفه‌های سازماندهی فضای میانی براساس سطوح آن (سطح کلان و میانی) و رفتارهای ساکنان تشکیل‌دهنده سکونتگاه‌ها.
- تبیین اصول طراحی در راستای تأمین حس رضایتمندی و دل‌بستگی در فضایی جمعی سکونتگاه‌ها.

۷. منابع فارسی و انگلیسی

- بی‌طرف، سمیه، *بررسی ارتباط کیفیت محیطی فضاهای داخلی بر کنش‌های رفتاری و سرزندگی ساکنان در سکونت‌گاه‌های جمعی جانبازان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی‌اکبر و صادقی، علیرضا (۱۳۸۸). *خوانش تأثیر ساماندهی محورهای بصری بر ارتقای کیفیت محیط فضاهای عمومی شهرداری (نمونه موردی: خیابان آزادی تهران)*، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۴.
- توسلی، محمود، بنیادی، ناصر (۱۳۸۶). *طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهر*، نشر شهیدی.
- چرخچیان، مریم (۱۳۸۸). *بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر افزایش دل‌بستگی به فضاهای عمومی شهری با تأکید بر تنوع فعالیتی*، رساله دکترا، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حدیدی، علی‌اکبر، مطلبی، قاسم و نگین تاجی، فروغ (۱۳۹۳). *تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی*، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی ۱۹(۳)، ۷۵-۸۶.
- خلیلیان، شاهین، *بررسی تناسبات فضاهای باز و سرپوشیده مجتمع‌های مسکونی شهر تهران و نقش آن‌ها بر ارتقای کیفیت محیط*، رساله دکترا، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد قزوین، قزوین، ایران.
- زیبایی فریمانی، نیکو (۱۳۹۳). *تدوین راهنمای طراحی شهری در مقیاس محله مبتنی بر سلامت شهروندان، مطالعه موردی: محله مطهری مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ساسانی، مژگان، *ارتباط فضای درون و بیرون در مسکن ایرانی*، رساله دکترا، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
- سجاذزاده، حسن، شریفی، عادل، ا سدی، محمد علی و شریفی، ندا (۱۳۹۴). *دلبستگی مکانی و ادراک کیفیت محیطی بر میزان حس رضایت در محله سنتی (نمونه موردی: محله حاجی همدان)*، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲۲(۶)، ۱۳۹-۱۵۲.
- شولتز، کریستین نوربرگ (۲۰۰۲). *مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی*، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، انتشارات آگاه، ۱۳۸۱.
- شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۲). *معماری، معنا و مکان*، ترجمه ویدا برازجانی، تهران، نشر جان جهان.
- شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۵۳). *هستی، فضا و معماری*، ترجمه محمدحسن حافظی، تهران، کتابفروشی تهران.
- شولتز، دوانو، شولتز، آلن (۱۹۹۸). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه سید محمدی، تهران.
- علی‌الحسابی، مهران علی و قربانی، ابوالفضل (۱۳۹۳). *بررسی ویژگی‌های فضای ورودی به عنوان مفصل و حریم بصری در عرصه‌های عمومی مجاور، نمونه موردی: بندر لافت*، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره پنجم، سال دوم.
- فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵). *مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن*، هنرهای زیبا، شماره ۱۷.
- کارمونا، متیو (۱۳۸۸). *مکان‌های عمومی فضاهای شهری*، ترجمه فریبا قرایی و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.
- مدنی، رامین و شفایی، مینو (۱۳۹۲). *راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران‌سازی مسکن حداقل در ایران*، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱(۵)، ۱۵۳-۱۶۵.
- Carmona, Matthew. Heath, Tobin. (2003). *PUBLIC PLACES - URBAN SPACES: The Dimensions of Urban Design*, Architectural Press.
- Markus, Cooper and Sarkissina, Wendy. (1986). *Housing As If People Mattered: Site Design Guidelines for the Planning of Medium-Density Family Housing*, University of California Press.

An approach in evaluating the factors affecting the sense of attachment in the middle spaces of residential complexes in Tehran

Ameneh Hajiaghazorg^{1*}, Maryam Charkhchian², Vahid Ghobadian³

Abstract

With the expansion of human societies and the improvement of human social needs, the necessity of being present in collective spaces and identifying the influencing factors on enhancing the sense of attachment to a place for performing some human activities has become very important. There is attachment to a wide range of factors in creating a lack of attachment to place, which according to studies, examining the location of intermediate spaces in residential complexes is one of those factors that has been analyzed and investigated as an independent variable in this research. The main concern of this research is neglecting to address effective criteria in promoting the sense of attachment in order to create a suitable platform that responds to the needs and activities of the residents in the middle arena. The method of this research is a combination of quantitative and qualitative methods. With the help of a causal-comparative strategy, using SPSS and AMOS software, the effect of the physical characteristics of residential communal spaces on the residents' sense of attachment was investigated. Then, with the help of "structural equation model", the characteristics of the middle space as an independent variable were evaluated on the sense of attachment as a dependent variable. The results of the research show that in the components of physical form, "physical and environmental comfort", "circulation", "spatial proportions", "configuration", "order and readability", "visual and physical diversity" and "non-fixed elements" and in the components Functionally, "functional diversity" and "behavioral adaptability" have the greatest influence on the feeling of attachment to the place, in order of priority. Therefore, the designer as the creator of the space by choosing the scale and arrangement of the blocks together with the design of the structure of the spaces leads to a change in the sense of attachment of the people living in the future. On the other hand, providing a suitable platform for the presence of as many residents as possible and paying attention to the spatial qualities along with management features are effective in evaluating the middle space of the residents.

Key words: Middle space, Tehran residential complex, Physical criteria, Functional criteria, Sense of attachment

1. Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). sanazbozorgi2015@gmail.com

2. Department of Art and Architecture, Payam Noor University, Tehran, Iran. m_charkhchian@pnu.ac.ir

3. Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. vah_ghobadiyan@iauctb.ac.ir